

۹ عامل مهم تربیت از منظر استادشهیدمر تقی مطهری(ره)

## وجوه مختلف انسان نیازمند عوامل تربیتی متفاوت است



### ■ محمد صادق عبداللهی

در تعلیمات اسلامی به عوامل و استعدادهایی از انسان برای اصلاح نفس و تربیت اسلامی توجه شده است که رعایت این عوامل و پرورش آنها به تربیت انسان ایده‌آل و مطلوب اسلام می‌انجامد. استادشهیدمر تقی مطهری طی جلسات متعدد خود در انجمن اسلامی پزشکان به شکلی مبسوط به این عوامل پرداخته و آنها را در چندین جلسه به بحث و گفت‌وگو گذاشته است. حاصل این بحث اکنون در نیمه دوم کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» به همت انتشارات صدر به چاپ رسیده و در دسترس علاقه‌مندان و تشنگان راه حقیقت است. آنچه در ادامه پیشش رو دارید، گذری کوتاه به عوامل تربیت از نگاه استادشهید براساس جلسات فوق‌الذکر هم در یک جمع‌بندی مختصر می‌توان گفت عوامل تربیت از منظر شهیدمطهری عبارتند از: «عقل، اراده، مراقبه و محاسبه، تفکر، معاشرت با صالحان و حب اولیاءالله، جهاد، ازدواج و کار». البته این نکته در میان گفته‌های شهید مشهود است که برخی از موارد یاد شده را گاه هدف تربیت گرفته است که خود نیاز به پرورش دارند و باید برای تقویت آنان ممتداً توشیح و گاه عاملی برای تربیت انسان که از آنها در مسیر انسان‌سازی استفاده می‌شود. فی‌المتاهل عقل هم خود ابزاری در دست انسان است که حکم‌گیر عالم را دارد و راه را روشن می‌سازد و هم پرورش عقل، خود هدفی در تربیت اسلامی است. در هر حال طی آنچه در ادامه آمده است، تلاش می‌شود شاخه‌ای کلی از عوامل و ابزارهایی که تربیت‌کننده انسان، نه هدف، است، بررسی شود.

شهیدمطهری تربیت را در اصل بر دو گونه می‌شمارد. گونه‌ای از تربیت را می‌توان «ساختن» یا «صنعت» نامید، که در اینگونه از تربیت انسان همچون یک شیء، فرض می‌شود که برای منظور یا منظورهایی پرورش می‌یابد. در واقع سازنده یا صنعتگر، هدف خاص خودش را دنبال می‌کند، اما در حالتی دیگر مکتب در خدمت انسان است و هدف از تربیت به سعادت رساندن و تکمیل خود انسان است نه اینکه منظور دیگری داشته باشد. در این حالت هدف از تربیت بیرون انسان نیست و دو چیز دنبال می‌شود؛ نخست استعدادهای انسانی به انسان شناسانده شود و ثانیاً نظامی میان استعدادهای انسانی برقرار شود تا کمترین و بلکه هیچ‌گونه افسراط و تفریطی بر انسان حکم نراند و هر آنرو و استعدادی حفظ خودش را ببرد و به بقیه تجاوز نکند». در اینجا بحث از عوامل تربیت مطرح خواهد شد. عواملی که به انسان کمک می‌کنند ضمن شناخت کامل و جامع استعدادهایش، آنها را چنان تربیت کند که عقل بر آنان حکمفرما و در پس آن نهادن برقرار شود. از نظر شهیدمطهری این عوامل عبارت‌اند از:

### ■ ۱- عقل

مطابق آنچه شهیدمطهری بیان داشته است، اسلام یک دین طرف‌دار عقل است که به نحوی شدیدروی این استعداد تکیه کرده است و نه تنها مانند برخی از کشیشان مسیحی با عقل مبارزه نکرده، بلکه از آن کمک و تأیید خواسته است. شهیداستاد به حدیثی از امام حسین(ع) دارد که حجت خدا بر انسان را دو حجت ظاهر و باطن برمی‌شمارد که حجت ظاهر انبیا هستند و حجت باطن عقل انسان. شهید براساس روایات اسلامی عقل را نیرو و قوه تجزیه و تحلیل می‌داند که فریال‌کننده، تجزیه و تحلیل‌کننده و سنش‌گر خوب و بد است و انسان یاری می‌رساند در مسیر زندگی خوب و بد را تفکیک کرده و خوب‌ترین را انتخاب کند. شهیدمطهری در توضیح چگونگی بهره‌آر عقل بر پایه حدیثی از امام جعفر صادق(ع) اشاره می‌فرماید که نباید به تنهایی به عقل اکتفا کرد، بلکه عقل باید توأمان به علم باشد؛ چراکه عقل یک حالت فریزی و طبیعی دارد که هر کسی از آن بهره‌ای دارد، اما علم، عقل را تربیت می‌کند و آن را پرورش می‌دهد. شهید بیان می‌کند که توأمانی به علم و عقل آنقدر مهم است که در روایات اسلامی گاهی به علم «عقل مسوم» یعنی عقل اکتسابی و به عقل «علم مطبوع» یعنی عقل فطری، گفته و تأکید شده که عقل مسوم و علم مسعی و اکتسابی از عقل فطری است که علم و عقل مطبوع و آن علم فطری به کار بیفتد.

### ■ ۲- اراده

اراده در منظر استادشهید از آن دسته عواملی است که هم

عقل را تنها در روشن ساختن مسیر و کار اراده را حکومت بر میل‌ها می‌داند، اما آنچه تعیین‌کننده مسیر و ضامن اجرایی عقل اراده می‌شود، «ایمان» است که توضیحات افزونی می‌طلبد و از چارچوب این نوشته فراتر است.

### ■ ۳- عبادت

استادشهید همچون بسیاری از روانشناسان نیایش و پرستش را به‌عنوان حسسی اصلی در انسان پذیرفته است و آن را حسی می‌داند که اگر بنا شود تربیت کاملی برای ایجاد انسان کامل یا نیمه‌کامل رخ دهد، نمی‌توان از آن غفلت کرد. از نظر شهیدمطهری اگر انسانی به دنبال تربیت خود، فرزندان یا افراد دیگر به تربیت اسلامی است، باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت وافر دهنده، چراکه عبادت صرف‌نظر از اینکه خود پرورش‌دهنده یک حس اصیل انسانی است، تأثیر بسیار زیادی بر سایر نواحی انسان دارد. البته شهید تأکید دارند که این پرورش حس عبادت باید به معنای واقعی باشد، و گرنه «چهار تا خم و راست شدن به صورت نماز که انسان خودش هم نمی‌فهمد چه می‌کند و اصلاً نمی‌فهمد که حال یعنی چه، مناجات یعنی چه، راز و نیاز یعنی چه، منقطع شدن به حق یعنی چه و اینکه لحظاتی بر انسان بگذرد که در آن لحظات اصلاً انسان چیزی از غیر خدا به یادش نیاید، یعنی چه، این عبادت نیست و نیز انسان فقط دهانش را یک مایه رمضان هر روز از صبح تا غروب ببندد، این عبادت نیست. پس قطعاً این حس باید در ما پرورش پیدا کند تا یکی از ارکان تربیت اسلامی در ما پیدا شود.» شهید تأثیرات عبادت را در کتاب آزادی معنوی به صورت مبسوط‌تری ادامه می‌دهند. در مجموع از جمیع فرمایشات ایشان می‌توان نتیجه گرفت عبادت نه تنها آرام‌کننده بخشی از حس‌های اصیل و نیازهای عمیق انسانی است و از این‌رو آرام‌بخش تاملات روحی انسان و ارتقای معنوی و عرفانی اوست، بلکه تقویت‌کننده ایمان و اراده آدمی نیز است و از همین جهت در مسیر تربیت اسلامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

### ■ ۴- مراقبه و محاسبه

در امتداد عامل مسوم یعنی «عبادت» شهیدمطهری «مراقبه و محاسبه» را از دیگر عوامل تربیتی می‌داند

هدف از تربیت به سعادت رساندن و

تکمیل خود انسان است نه اینکه منظور دیگری داشته باشد. در این حالت هدف از تربیت بیرون انسان نیست و دو چیز دنبال می‌شود؛ نخست استعدادهای انسانی به انسان شناسانده شود و ثانیاً نظامی میان استعدادهای انسانی برقرار شود تا کمترین و بلکه هیچ‌گونه افسراط و تفریطی بر انسان حکم نراند

### ■ ۵- تفکر

تفکر در اندیشه شهیدمطهری از عوامل اصلاح و تربیت نفس در تعلیمات اسلامی است و منظور که در احادیث آمده به مثابه عبادت است. شهید براساس آیات قرآن، برای تفکری که ارزشی به مانند عبادت دارد، انواعی ذکر می‌کند که عبارتند از: تفکر در عالم خلقت برای معرفت و شناسایی خدا و در واقع کشف عالم برای شناختن خدا، تفکر در تاریخ برای عبرت گرفتن از سرنوشته و سرگذشت اقوام و ملل و سوم تفکر انسان درباره خود و اعمال، رفتار و ارزیابی کارهای خود است که چیزی شبیه به محاسبه‌نفس می‌نماید. شهید تأکید دارند که تفکر باید برای آدمی به نوعی عادت بدل گردد تا انسان به‌گونه‌ای شود تا جدای از آنکه پیش از انجام هر کاری و اتخاذ هر تصمیمی روی آن کاملاً فکر کند در هر شبانه‌روز «هولو چند دقیقه هم که شده است، به خودش مجال دهد که درباره خودش فکر کند و درباره کارهایی که باید در مورد آنها تصمیم بگیرد، ببیندش.»

### ■ ۶- معاشرت با صالحان و حب اولیاءالله

از نظر شهیدمطهری مجالست با صالحان و نیکان آثار نیک فوق‌العاده‌ای دارد تا حدی که پیغمبر اکرم(ص) فرمود: «هر کسی به دین دوستش است» بنابراین انسان باید در معاشرت و انتخاب دوست بسیار دقت کند؛ چراکه همشین بد تأثیرات ناخودآگاهی را در جهت منفی دارد. شهید تأکید دارند که نباید خیال کرد تأثر از همشینی انتخابی است، بلکه این امری اجتناب‌ناپذیر است و انسان هر آنچه هم به‌خواهد مانع آن شود، باز هم کم و بیش تأثیر خواهد پذیرفت و از همین رو انسان باید آنطور که حضرت عیسی(ع) فرمودند با کسی مجالست کند که دین او انسان را به یاد خدا اندازد و سخنش بر علم انسان بیفزاید و عملش ترغیب‌کننده انسان به کار خیر باشد.

شهیدمطهری همچنین ذیل این عنوان بیان می‌دارد که در معاشرت حالتی وجود دارد که تأثیر آن فوق‌العاده است و آن، پیدا شدن حالت ارادت است، به‌گونه‌ای که شیفتگی و ارادت به یک شخص معین، بالاترین و بزرگ‌ترین عامل در تغییر انسان است. شهیدمطهری ارادت را موقله محبت

و شیفتگی می‌داند که در صورتی که انسان شیفته انسانی کامل شود، فوق‌العاده تحت‌تأثیر او قرار خواهد گرفت و از همین رو است که در اسلام تأکید بر محبت اولیاءالله و حب امیرالمؤمنین شده و محبت هر کاملی بزرگ‌ترین عامل اصلاح تربیت است.

### ■ ۷- جهاد

عامل تربیتی دیگر از منظر شهیدمطهری در اسلام، جهاد و به‌طور کلی شداید و مشقات، اعم از شداید اختیاری و غیراختیاری است. این نظر از آنجا طرح می‌شود که استادمطهری انسان را دارای استعدادها و ظرفیت‌هایی می‌داند که تنها با یکسری افعال خاص و مشقات و شداید شکوفا می‌شوند و جهاد یکی از عواملی است که این استعدادها را شکوفا می‌سازد و از همین جهت است که امکان ندارد یک مؤمن مسلمان جهاد رفته با یک مؤمن مسلمان جهاد ننهد از نظر روحیه یکسان باشند و یقیناً مسلمان جهاد رفته به واسطه سختی‌های میدان جهاد شور ایمانی و ثبات بیشتری خواهد داشت. بنابراین کاری که از عوامل ساخته‌است از دیگر عوامل ساخته نیست.

### ■ ۸- ازدواج

از نظر شهید از دواج نیز همچون جهاد از عوامل خاصی است که برخی از ویژگی‌های انسان تنها با تحقق آن شکوفا می‌شود. به‌عنوان مثال شهید مطهری از دواج را اولین قدمی می‌داند که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی برمی‌دارد. شهید در اهمیت عامل ازدواج توضیح می‌دهد: «تجربه‌های خیلی قطعی نشان داده است که افراد پاک مجرد برای اینکه بیشتر به اصلاح نفس خودشان برسند، به این عنوان و به این بهانه از دواج نکرده‌اند و یک عمر مجاهده نفس کرده‌اند، اولاًغلبشان در آخر عمر پشیمان شده‌اند و به دیگران گفته‌اند ما این کار را کردیم، شما نکنید و ثانیاً با اینکه واقعاً ملأ بودند، در فقره و اصول معتهد بودند، حکیم و فیلسوف بودند، عارف بودند، تا آخر عمر و مثلاً در ۸۰ سالگی باز یک روحیه بچگی و جوانی و یک خامی‌هایی در اینها وجود داشته است. مثلاً یک حالت سبکی خاصی که گاهی یک جوان دارد، مبینی همان حالت در این آدم ۸۰ساله است و این نشان می‌دهد که یک پختگی است که جز در برتوی ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد با نفس پیدا نمی‌شود، با نماز شب پیدا نمی‌شود، با ارادت به انبیا هم پیدا نمی‌شود. این را فقط از همین جا باید به دست آورد، بنابراین هیچ وقت نمی‌شود که یک کشیش یا کار دینال به صورت یک انسان کامل در بیاید، اگر واقعاً در کار دینتالی خودش صادق باشد.»

### ■ ۹- کار

شهیدمطهری کار را نیز از عواملی اساسی تربیت معرفی می‌کند که اگر از عوامل دیگر سزاده‌ت نباشد، نقش کم‌رنگ‌تری ندارد. شهیداستدلال می‌کند که بر عکس آنچه برخی تصور دارند که کار اثر و معلول انسان است، بنابراین گونگی کار تابع چگونگی انسان است. کار و انسان رابطه‌ای رفت و برگشتی دارند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ به‌عبارت دیگر هم انسان سازنده، خالق و آفریننده کار خویش است و هم کار (و نوع کار) خالق و آفریننده روح و چگونگی انسان است. شهیدمطهری استدلال می‌کند که کار از نظر متمرکز ساختن قوه خیال و دور ساختن گناه، یاری رساندن به جهت شناخت دقیق و پرورش استعدادها، منطقی ساختن ذهن و تشخیص بخشی و هویت آفرینی بر انسان مؤثر و از همین رو عاملی مهم در تربیت است.

### ■ نتیجه‌گیری

در آنچه گذشت تلاش شد عوامل نقش‌آفرین در مسیر تربیت انسان در تعلیم و تربیت اسلامی را از منظر شهیدمطهری مرور کنیم. آنطور که شهید خود می‌گوید: «انسان یک موجود عجیبی است. اشتباه است اگر ما خیال بکنیم فقط یک عامل در دنیا وجود دارد که انسان را اصلاح می‌کند. انسان قسمت‌های مختلفی دارد که هر قسمتش یک عامل اصلاح دارد.» بر این اساس برای تربیت انسان باید وجه مختلف آن را در نظر گرفت. و به تبع در خصوص تربیت جامعه نیز باید ویژگی‌های آن را احصاء کرد و عوامل متناسب با آن را بریزد تا از تکیه بر یک عامل و برنامهریزی فرهنگی و تربیتی تک عاملی دوری کرد.



## مقدمه‌ای بر تربیت از منظر استاد صفایی حائری مسئولیت، سنگ‌بنای تربیت

### ■ سیدمیثم میر تاج‌الدینی



علی صفایی حائری که در عمده مباحث به جامانده از ایشان تربیت عصری اصلی و زمینه‌ای است، آن‌گاه که بر یک متربی و انسان با رسیدن هر حادثه و گرفتاری و وزیدن هر نسیم بلا و باد ابتلا می‌ریزد و به سرعت تغییر شکل می‌دهد و گاه تمام رسیده مریمان را پنبه می‌کند و متربی در بهاری دیگر جوانه‌ای نمی‌زند و دچار آفات مختلف می‌شود؛ چون «زمینه‌ها» یعنی «شناخت و بینش» غنی نیست و «ریشه‌ها» یعنی «اعتقادات» محکم نیستند و چرا اینگونه است؟ چون مربی تربیت را آغاز کرده و روش‌های گوناگون آن را به کار گرفته بدون آنکه «انسان و هستی و نقش انسان در هستی» را مشخص و روشن کند. «در زمینه‌ای که انسان مجهول است و هستی مجهول است و نقش انسان در هستی مجهول است و تفکر انسان در هستی را مجهول است و تفکر انسان در هستی را مجهول است و تفکر انسان در هستی را مجهول است»

این درحالی است که گره‌خوردگی مفهوم تربیت با کودک، هر چند در سالیان اخیر با گشاده‌دستی برخی از مسئولان آموزش و پرورش و دیگر کانون‌های متحرک بر امر تربیت، دامنه‌اش به نوجوانان نیز رسیده، اما هنوز به کارگیری آن درباره بزرگسال رواج چندانی نداشته و به دنبال وجود ندارد جز رفتار بر طبق عادات و عمل بر مبنای احساسات و البته حماقت.

او معتقد بود «مسئولیت رابطه مستقیمی با شناخت‌ها و با شناخت حکمت و شعور در هستی دارد. مسئولیت هنگامی مفهوم پیدا می‌کند که در هستی خدایی و حکمتی و شعوری باشد. در هستی لش و احمق، دیگر مسئولیتی نیست. در این هستی ابله، خوبی و بدی برابر می‌شوند و معیاری برای خوبی و بدی باقی نمی‌ماند. آنجا که بصر نیست چه خوبی چه زشتی!» اینگونه انسان نه دلیلی برای بودن دارد و نه دلیلی برای انسان بودن! حتی اصل انصاف آنجا که می‌گوید آنچه اعتقادات و بهارش بحران‌ها و حادثه‌ها و گرفتاری‌ها هستند. هنگامی که زمینه‌ها غنی و سرشار و ریشه‌ها محکم و زنده بودند، غنی و سرشار و ریشه‌ها محکم و زنده بودند، و بار می‌آورد و حتی هیچ آفتی نمی‌بیند،

او معتقد بود «مسئولیت رابطه مستقیمی با شناخت‌ها و با شناخت حکمت و شعور در هستی دارد. مسئولیت هنگامی مفهوم پیدا می‌کند که در هستی خدایی و حکمتی و شعوری باشد. در هستی لش و احمق، دیگر مسئولیتی نیست. در این هستی ابله، خوبی و بدی برابر می‌شوند و معیاری برای خوبی و بدی باقی نمی‌ماند. آنجا که بصر نیست چه خوبی چه زشتی!» اینگونه انسان نه دلیلی برای بودن دارد و نه دلیلی برای انسان بودن! حتی اصل انصاف آنجا که می‌گوید آنچه اعتقادات و بهارش بحران‌ها و حادثه‌ها و گرفتاری‌ها هستند. هنگامی که زمینه‌ها غنی و سرشار و ریشه‌ها محکم و زنده بودند، غنی و سرشار و ریشه‌ها محکم و زنده بودند، و بار می‌آورد و حتی هیچ آفتی نمی‌بیند،

مسئولیت در خستی است که زمینه‌اش شناخت‌ها هستند و ریشه‌اش اعتقادات و بهارش بحران‌ها و حادثه‌ها و گرفتاری‌ها. هنگامی که زمینه‌ها غنی بودند بنابراین گونگی کار تابع چگونگی انسان است. کار و انسان رابطه‌ای رفت و برگشتی دارند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ به‌عبارت دیگر هم انسان سازنده، خالق و آفریننده کار خویش است و هم کار (و نوع کار) خالق و آفریننده روح و چگونگی انسان است. شهیدمطهری استدلال می‌کند که کار از نظر متمرکز ساختن قوه خیال و دور ساختن گناه، یاری رساندن به جهت شناخت دقیق و پرورش استعدادها، منطقی ساختن ذهن و تشخیص بخشی و هویت آفرینی بر انسان مؤثر و از همین رو عاملی مهم در تربیت است.



تربیت انسان در تعلیم و تربیت اسلامی را از منظر شهیدمطهری مرور کنیم. آنطور که شهید خود می‌گوید: «انسان یک موجود عجیبی است. اشتباه است اگر ما خیال بکنیم فقط یک عامل در دنیا وجود دارد که انسان را اصلاح می‌کند. انسان قسمت‌های مختلفی دارد که هر قسمتش یک عامل اصلاح دارد.» بر این اساس برای تربیت انسان باید وجه مختلف آن را در نظر گرفت. و به تبع در خصوص تربیت جامعه نیز باید ویژگی‌های آن را احصاء کرد و عوامل متناسب با آن را بریزد تا از تکیه بر یک عامل و برنامهریزی فرهنگی و تربیتی تک عاملی دوری کرد.

## سازمان آگهی‌های روزنامه جوان

تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۳۴۱۶۵۴